

## دعا

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

### - استجابت دعا

۱. ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلِيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ<sup>۱</sup>﴾ و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم، پس باید دعوت مرا پذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند). این آیه در افاده مضمونش بهترین اسلوب و لطیف‌ترین و زیباترین معنا را برای دعا دارد.

اولا: اساس گفتار را بر تکلم وحده (من چنین و چنان) قرار داده، نه غیبت (خدا چنین و چنان است) و نه سیاقی دیگر نظیر غیبت و این سیاق دلالت دارد بر این که خدای تعالی نسبت به مضمون آیه کمال عنایت را دارد.

ثانیا: تعبیر فرموده به "عبدی" و نفرمود "ناس" و یا تعبیری دیگر نظیر آن و این نیز عنایت یاد شده را بیشتر می رساند.

ثالثا: واسطه را انداخته و نفرموده: "در پاسخشان بگو چنین و چنان" بلکه فرمود: چون بندگان از تو سراغ مرا می گیرند من نزدیکم.

رابعا: جمله "من نزدیکم" را با حرف (إن) که تاکید را می رساند، مؤکد کرده و

## ۴۶ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

فرموده: «فَإِنِّي فَرِيقٌ» پس به درستی که من نزدیکم.

خامسا: نزدیکی را با صفت بیان کرده و فرموده: "نَزَدِيْكُمْ" نه با فعل، "من نزدیک می‌شوم" تا ثبوت و دوام نزدیکی را برساند.

سادسا: در افاده این که دعا را مستجاب می‌کند، تعبیر به مضارع آورد نه ماضی، تا تجدد اجابت و استمرار آن را برساند.

سابعا: وعده اجابت؛ یعنی عبارت "اجابت می‌کنم دعای دعا کننده" را مقید کرد به قید «إِذَا دَعَانِ - در صورتی که مرا بخواند» با این که این قید، چیزی جز خود مقید نیست، چون مقید، خواندن خدا است و قید هم همان خواندن خدا است و این دلالت دارد بر این که دعوت داعی بدون هیچ شرطی و قیدی مستجاب است، نظیر آیه: «أَدْعُونَيْ أَسْتَجِبْ لَكُمْ» و این هفت نکته همه دلالت دارند بر این که خدای سبحان به استجابت دعا اهتمام و عنایت دارد.

از طرفی در این آیه با همه اختصارش هفت مرتبه ضمیر متکلم "من" تکرار شده و آیه‌ای به چنین اسلوب در قرآن منحصر به همین آیه است.

و کلمه «دعا» و «دعوت» به معنای این است که دعا کننده نظر دعا شده را به سوی خود جلب کند و کلمه «سؤال» به معنای جلب فایده و یا زیادتر کردن آن از ناحیه مسئول است، تا بعد از توجیه نظر او حاجتش برآورده شود، پس سؤال به منزله نتیجه و هدف است برای دعا (مثل اینکه از دور یا نزدیک شخصی را که دارد می‌رود صدا می‌زنی، و می‌خوانی، تا روی خود را برگرداند، آن وقت چیزی از او می‌پرسی تا به این وسیله حاجت برآورده شود) پس این معنا که برای سؤال شد جامع همه موارد سؤال هست، سؤال علمی برای رفع جهل، سؤال به منظور حساب، سؤال به معنای زیادتر کردن خیر مسئول به طرف خود و سؤال‌های دیگر!

---

۱. ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۴۲

### – دعا و عجول بودن انسان

۲. ﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءً بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولاً﴾<sup>۱</sup>؛ انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدی‌ها را طلب می‌کند، آن‌گونه که نیکی‌ها را می‌طلبند و انسان، همیشه عجول بوده است.

مراد از "دعا" به طوری که از سیاق آیه استفاده می‌شود، مطلق طلب است، چه به لفظ دعا باشد مثل "خدایا مال و اولاد بر من روزی کن و ..." و چه بدون لفظ صورت گیرد و به صورت سعی و عمل بوده باشد، همه این‌ها دعا و درخواست از خداست، حتی اگر این درخواست از کسی صادر شود که به خدا معتقد نبوده و توجهی به درخواست از خدا ندارد، چون در حقیقت غیر از خدا معطی و مانع وجود ندارد.

مقصود از این که فرمود: "انسان عجول است" این خواهد بود که او وقتی چیزی را طلب می‌کند صبر و حوصله به خرج نمی‌دهد، در جهات صلاح و فساد خود نمی‌اندیشد تا در آنچه طلب می‌کند راه خیر برایش مشخص گردد و از آن راه به طبلش اقدام کند؛ بلکه به محض این که چیزی را برایش تعریف کردن و مطابق میلش دید، با عجله و شتابزدگی به سویش می‌رود و در نتیجه گاهی آن امر، شری می‌شود که مایه خسارت و زحمتش می‌شود و گاهی هم خیری بوده که از آن نفع می‌برد.<sup>۲</sup>

### – شرط استجابت دعا

۳. ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْسِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَنَذَّرُونَ﴾<sup>۳</sup>؛ (آیا بتهایی که همتای خدا قرار می‌دهند بهتر است) یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد، آیا معبودی با خداست؟ کمتر متذکر می‌شوید.

مراد از اجابت مضطر وقتی که او را بخواند این است که خدا دعای دعا کنندگان را

۱. إِسْرَاء، آیه ۱۱.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۶۶

۳. نمل، آیه ۶۲.

مستجاب و حواجح‌شان را بر می‌آورد و اگر قید اضطرار را در بین آورد برای این است که در حال اضطرار، دعای داعی از حقیقت برخوردار است و دیگر گزارف و بیهوده نیست، چون تا آدمی بیچاره و درمانده نشود، دعاهاش آن واقعیت و حقیقت را که در حال اضطرار واجد است ندارد و این خیلی روشن است.

قید دیگری برای دعا آورده و آن این است که فرموده: "اذا دعاه- وقتی او را بخواند"، این برای آن است که بفهماند خدا وقتی دعا را مستجاب می‌کند که داعی، به راستی او را بخواند، نه این که در دعا رو به خدا کند و دل به اسباب ظاهری داشته باشد و این وقتی صورت می‌گیرد که امید داعی از همه اسباب ظاهری قطع شده باشد؛ یعنی بداند که دیگر هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند گره از کارش بگشاید، آن وقت است که دست و دلش با هم متوجه خدا می‌شود و در غیر این صورت همان‌طور که گفتیم غیر خدا را می‌خواند. پس، اگر دعا صادق بود، یعنی خوانده شده فقط خدا بود و بس، در چنین صورتی خدا اجابت‌ش می‌کند و گرفتاریش را که داعی را مضطرب کرده برطرف می‌سازد، هم‌چنان که در جای دیگر فرموده: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۱</sup> که در این آیه به‌طوری که ملاحظه می‌فرمایید هیچ قیدی برای دعا نیاورده، الا این که فرموده در دعا مرا بخوانید. باز در جای دیگر فرموده: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»<sup>۲</sup> بطوری که می‌بینید تنها این شرط را آورده که در دعا او را بخوانند.<sup>۳</sup>

## پیام‌ها

- ۱- دعا در هر جا و در هر وقت که باشد، مفید است. چون خداوند می‌فرماید: من نزدیک هستم: «فَإِنِّي قَرِيبٌ».
۲. خداوند به ما نزدیک است، ولی ما چطور؟ اگر گاهی قهر او دامن ما را می‌گیرد، به

۱. غافر، آیه ۶۰.

۲. بقره، آیه ۱۸۶.

۳. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۵۹۴.

خاطر دوری ما از خداوند است که در اثر گناهان می‌باشد: «فَإِنِّي قَرِيبٌ».

۳. استجابت خداوند دائمی است، نه موسمی: «أُجِيبُ» نشانه دوام است.

۴. با آن که خدا همه چیز را می‌داند، اما دعا کردن وظیفة ماست: «فَلَيَسْتَجِبُوا لِي».

۵. دعا آن‌گاه به اجابت می‌رسد که همراه با ایمان باشد: «وَلَيُؤْمِنُوا بِي».

۶ دعا، وسیله رشد و هدایت است: «الَّعَالَمُ يَرْشُدُونَ».

۷. انسان، فطرتاً خیر گر است: «يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءُهُ بِالْخَيْرِ» تشبیه شرخواهی انسان به خیرخواهی او، نشانه آن است که انسان در اصل، خیر گرا می‌باشد.

## آیات مرتبط

### - دعا و توجه خدا

۴. «قُلْ مَا يَعْبُدُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاوُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَاماً»؛ بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛ شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید و (این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد».

### - دعا در گرفتاری‌ها

۵. «وَإِذَا مَسَ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَّ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ»؛ هنگامی که انسان را زیانی رسد، پروردگار خود را می‌خواند و به سوی او باز می‌گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آن‌چه را به خاطر آن قبلًا خدا را می‌خواند از یاد می‌برد و برای خداوند همتایانی قرار می‌دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد، بگو: چند روزی از کفرت بهره گیر که از دوزخیانی.

۱. فرقان، آیه ۷۷.

۲. زمر، آیه ۸.

## روايات

### – سلاح مؤمن

۱. عن النبي ﷺ:

الدعا سلاح المؤمن؛ دعا سلاح مؤمن است.

### – دعا برای همه احتیاجات

۲. فی الحديث القدسی:

يا موسى سلنی کل ما تحتاج إلیه حتى علف شاتک و ملح عجینک ؟ در حدیث قدسی آمده است: ای موسی از من آنچه احتیاج داری درخواست کن، حتی علوفه گوسفندت و نمک خمیرت را از من بخواه.

### – کیفیت دعا کردن

۳. و فی عدة الداعی، عن النبي :

ادعوا الله و أنتم موقنون بالإجابة؛ در حالی دعا کنید که یقین به اجابت داشته باشید.

۴. فی الحديث القدسی:

أنا عند ظن عبدي بي، فلا يظن بي إلا خيرا؛ خدای تعالی فرمود: من همان جایم که ظن بندهام به من آنجا است، پس بنده من نباید به غیر از خیر از من انتظاری داشته باشد، بلکه باید نسبت به من حسن ظن داشته باشد.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲. عدة الداعی، ص ۱۲۳.

۳. عدة الداعی، ص ۹۳؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۳۰۵.

### – دعای غیر مستجاب

۵. قال الصادق علیه السلام:

أَنَّ اللَّهَ لَا يُسْتَجِيبُ دُعَاءً بَظْهَرَ قَلْبِ سَاهٍ؛ خَدَى تَعَالَى دُعَاءً قَلْبِي فَرَامَوْشَ كَارَ رَا  
مُسْتَجَابَ نَمِيَّ كَنْدَ (يُعْنِي كَسَى كَهْ بَيْ فَكَرْ وَ بَيْ تَوْجَهَ قَلْبِي دُعَاءً مَنِيَّ كَنْدَ).

۶. عن علي علیه السلام:

لَا يَقْبِلُ اللَّهُ دُعَاءَ قَلْبِ لَاهٍ؛ خَدَا دُعَاءَ قَلْبِ بازِيَّگَرَ رَا قَبُولَ نَمِيَّ كَنْدَ.

### داستان‌ها

#### ۱– دعای دسته جمعی

حفص بن عمر بجلی گوید: از وضع ناهنجار مالی و از هم پاشیدگی زندگیم به امام صادق علیه السلام شکایت کردم.

امام فرمود: هنگامی که به کوفه رفتی با فروش بالش زیر سرت هم که باشد، به ده درهم غذایی آمده کن و تعدادی از برادرانت را به غذا دعوت کن و از ایشان بخواه تا درباره تو دعا کنند.

حفص گوید: به کوفه آمدم و هر چه تلاش کردم غذائی مهیا کنم میسر نشد تا بالآخره طبق دستور امام بالش زیر سرم را فروختم و با آمده ساختن غذا، تعدادی از برادران دینی خود را دعوت نموده و از ایشان خواستار دعا در حل مشکلات زندگیم شدم، آن‌ها هم با صرف غذا دعا کردند.

به خدا قسم، مدت کوتاهی از این قضیه نگذشت که متوجه شدم کسی در خانه را می‌زند و چون در را باز کردم، دیدم شخصی که با او داد و ستد داشتم و از وی طلب کار

۱. عدة الداعي، ص ۱۲۳.

۲. عدة الداعي، ص ۹۷.

۵۲ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

بودم به سراغ من آمد، با پرداخت مبلغ سنگینی که به گمانم ده هزار درهم بود، بدھی خود را با من تصفیه و مصالحه کرد، و از آن پس پی‌درپی کار من به فراخی و گشایش نهاد و به رفع سختی و تنگدستی انجامید.<sup>۱</sup>

---

۱. با مردم این‌گونه برخورد کنیم، ص ۱۰۷.

## سعی و کوشش

﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

### – انسان در گرو عملش

۱. ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ وَأَنْ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست ﴿ و اینکه تلاش او بزودی دیده می‌شود.

### تفسیر

"سعی" در اصل به معنی راه رفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده، ولی غالباً به معنی تلاش و کوشش به کار می‌رود، چرا که به هنگام تلاش و کوشش در کارها انسان حرکات سریعی انجام می‌دهد، خواه کار خیر باشد یا شر.

جالب اینکه نمی‌فرماید: بهره انسان کاری است که انجام داده، بلکه می‌فرماید تلاشی است که از او حاصل شده است، اشاره به این که مهم تلاش و کوشش است هر چند انسان احیاناً به مقصد و مقصودش نرسد که اگر نیتش خیر باشد، خدا پاداش خیر به او می‌دهد، چرا که او خریدار نیت‌ها و اراده‌های است، نه فقط کارهای انجام شده. "و آیا خبر ندارد که سعی و کوشش او به زودی دیده می‌شود؟" ﴿وَأَنْ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾.

نه تنها نتیجه‌های این سعی و تلاش، چه در مسیر خیر باشد یا شر، بلکه خود اعمال او، در آن روز در برابرش آشکار می‌شود، همان‌گونه که در جای دیگر می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَجَدُّ كُلُّ

نَفْسٌ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضًاۚ<sup>۱</sup>

منطق عقل نیز همین را اقتضا می‌کند که "هر کسی مسئول اعمال خویش و منتفع به اعمال خویش باشد".

این اعتقاد اسلامی سبب می‌شود که انسان به جای پناه بردن به خرافات و یا گناه خویش را به گردن این و آن افکنند، به سراغ سعی و تلاش در اعمال خیر برود، تاثیر تربیتی این عقیده در انسان‌ها کاملاً روشن و غیر قابل انکار است.

درست است که این آیات ناظر به سعی و تلاش برای آخرت و مشاهده پاداش آن در سرای دیگر است، ولی ملاک و معیار اصلی آن، دنیا را نیز در بر می‌گیرد، به این معنی که افراد با ایمان باید در انتظار دیگران بشینند که برای آن‌ها کار کنند و مشکلات جامعه آن‌ها را حل نمایند. بلکه خود دامن همت به کمر زده به سعی و تلاش و کوشش برخیزند.<sup>۲</sup> معنای آیه چنین شد که: هیچ انسانی هیچ چیزی را به ملکیت واقعی مالک نیست، تا اثر آن ملکیت، که خیر یا شر، نفع یا ضرر عایدش شود، مگر آن عملی را که کرده و جهدی نموده تنها آن را داراست، اما آن‌چه دیگران کرده‌اند اثر خیر یا شرش عاید انسان نمی‌شود.<sup>۳</sup>

### – کوشش در معنویات

۲. ﴿وَ لِكُلٌّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبِّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾؛ و برای هر یک (از این دو دسته)، درجات (و مراتبی) است از آن‌چه عمل کردند و پروردگارت از اعمالی که انجام می‌دهند، غافل نیست.

### تفسیر

این آیه بار دیگر این حقیقت را تاکید می‌کند که تمام مقام‌ها، درجات و درکات، زائیده

۱. آل عمران، آیه ۳۰.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۵۱.

۳. ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۷۵.

۴. انعام، آیه ۱۳۲.

اعمال خود آدمی است و نه چیز دیگر<sup>۱</sup>.

متعلق لفظ "کل" ضمیری است که به دو طایفه جن و انس برمی‌گردد و در آیه حذف شده است و معنای آیه این است: برای هر یک از دو طایفه جن و انس درجاتی است از عمل، چون اعمال مختلف است و اختلاف اعمال باعث اختلاف درجات صاحبان اعمال است و خداوند از آن‌چه که این دو طایفه می‌کنند، غافل نیست.<sup>۲</sup>

### - زمان تلاش و کوشش

۳. ﴿وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبَغُّوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾؛ و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشد و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید و شاید شکر نعمت او را بجا آورید!<sup>۳</sup>

### تفسیر

آری گسترده‌گی دامنه رحمت خدا ایجاب می‌کند که تمام وسائل حیات شما را تامین کند، شما از یک سو نیاز به کار و کوشش و حرکت دارید که بدون روشنایی روز ممکن نیست و از سوی دیگر نیاز به استراحت و آرامش، که بدون تاریکی شب کامل نمی‌شود. امروز از نظر علمی ثابت شده است که در برابر نور تمام دستگاه‌های بدن انسان فعال و سرزنده می‌شوند: گردش خون، دستگاه تنفس، حرکت قلب و سایر دستگاه‌ها و اگر نور بیش از اندازه بتابد، سلول‌ها خسته می‌شوند و نشاط جای خود را به فرسودگی می‌دهد و بر عکس، دستگاه‌های بدن در تاریکی شب در آرامش و آسایش عمیقی فرو می‌روند و در سایه آن تجدید قوا و نشاط می‌کنند.

این نیز شایان توجه است که در پایان این سخن مسأله "شکر" را مطرح می‌کند، شکر در

۱. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۵۴۸.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۹۰.

۳. قصص، آیه ۷۳.

## ۵۶ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

برابر نظام حساب شده نور و ظلمت، شکری که خواه و ناخواه انسان را به شناخت منع و معرفت او می‌دارد و شکری که انگیزه ایمان در مباحث اعتقادی است.<sup>۱</sup>

### - فلاش بی ثمر

۴. ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْأَخْرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا تُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾؛ کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم؛ اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد.

### تفسیر

تشبیه جالب و کنایه زیبایی است، انسان‌ها همگی زارعند و این جهان مزرعه ماست، اعمال ما بذرهای آن و امکانات الهی، بارانی است که بر آن می‌بارد، اما این بذرها بسیار متفاوت است، بعضی محصولش نامحدود، جاودانی و درختانش همیشه خرم و پر میوه، اما بعضی دیگر محصولانش بسیار کم، عمرش کوتاه و زودگذر و میوه‌هایی تلخ و ناگوار دارد. تعبیر به "یرید" (می‌خواهد و اراده می‌کند) در حقیقت اشاره به تفاوت نیت‌های مردم است، مجموع آیه شرحی است پیرامون آن‌چه در آیه قبل از موهاب و روزی‌های پروردگار آمده که گروهی از این موهاب به صورت بذرهایی برای آخرت استفاده می‌کنند و گروهی برای تتمتع دنیا.

جالب این که در مورد کشت کاران آخرت می‌گوید: «نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» (زراعت او را افروزن می‌کنیم) ولی نمی‌گوید از تمنع دنیا نیز بی‌نصیبند، اما در مورد کشت کاران دنیا می‌گوید: «مقداری از آن را که می‌خواهند به آن‌ها می‌دهیم، بعد می‌افزاید در آخرت هیچ نصیب و بهره‌ای ندارند».

به این ترتیب نه دنیا پرستان به آن‌چه می‌خواهند می‌رسند و نه طالبان آخرت از دنیا محروم

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۹۰.

۲. سوری، آیه ۲۰.

می‌شوند، اما با این تفاوت که گروه اول با دست خالی به سرای آخرت می‌روند و گروه دوم با دست‌های پر.

تعییر به "نَزِدُ لَهُ فِي حَرْثِهِ" هماهنگ است با آن‌چه در آیات دیگر قرآن آمده، از جمله «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»<sup>۱</sup>؛ کسی که کار نیکی انجام دهد ده برابر پاداش او است و «يُوْفِيهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ»<sup>۲</sup>؛ خدا پاداش آن‌ها را به طور کامل می‌دهد، و از فضلش بر آن‌ها می‌افزاید.<sup>۳</sup>

### پیام‌ها

- ۱- خداوند، عادل است و مرتبه هر کس را طبق عملکرد خود او قرار می‌دهد: «دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا».
- ۲- انسان باید هوشیار باشد، زیرا تحت نظر خداست: «وَمَا رُبِّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ».
- ۳- منشأ خلقت و اعطای نعمت، نیاز او یا طلب ما نیست، بلکه بخشنده‌گی و رحمانیت اوست: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ».
- ۴- آرامش شب، مقدمه تلاش روز است: «لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا».
- ۵- خداوند بخشنده است، ولی انسان باید تلاش کند: «مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ ... لِتَبْتَغُوا».
- ۶- شب برای آسایش و روز برای کار و فعالیت است: «لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ».
- ۷- آن‌چه به دست آوریم از فضل اوست، به زرنگی خود نتازیم: «مِنْ فَضْلِهِ».
- ۸- نعمت‌های مادی باید مقدمه شکر و کسب مراتب معنوی باشد: «لِتَسْكُنُوا ... لِتَبْتَغُوا ... لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ».
- ۹- دنیا اگر وسیله رشد، قرب و شکر به درگاه الهی باشد، منفور و مذموم نیست: «الْعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ».

۱. انعام، آیه ۱۶۰.

۲. فاطر، آیه ۳۰.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۹۹

## ارجاعات قرآنی

### – تلاش در راه خدا

۱- «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهُدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»؛ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۲- «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهُدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَتَصَرَّفُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمُ أُولَئِياءَ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَائِتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِّي أَسْتَنْصَرُ بِكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ يَبْيَنُهُمْ مِيَانَقُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ کسانی که ایمان آوردن و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردن و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت [= دوستی و تعهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شمامت که آنها را یاری کنید، جز بر ضد گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است؛ و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، بیناست.

### – فایده تلاش و کوشش

۳- «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَهُدْيَنَّهُمْ سُبْلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود جهاد می‌کند؛ چرا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راههای خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

۱. بقره، آیه ۲۱۸.

۲. انفال، آیه ۷۲.

۳. عنکبوت، آیات ۶ و ۶۹.

## روايات

### – تلاش بائمر و بی ثمرو

۱. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

من کانت نیته الدنيا فرق الله عليه امره، و جعل الفقر بین عینیه، و لم ياته من الدنيا الا ما كتب له، و من كانت نیته الآخرة جمع الله شمله، و جعل غناه في قلبه، و انته الدنيا و هي راغمة!؛ کسی که نیتشن دنیا باشد، خداوند کار او را پریشان می‌سازد، فقر را در برابر او قرار می‌دهد و جز آنچه برای او مقرر شده، چیزی از دنیا به چنگ نمی‌آورد و کسی که نیتشن سرای آخرت باشد، خداوند پراکندگی او را به جمیعت مبدل می‌سازد و غنا و بی‌نیازی را در قلبش قرار می‌دهد، دنیا تسليم او می‌گردد و به سراغ او می‌آید.

### – جوینده یابنده است

۲. قال امير المؤمنين علیه السلام:

من استدام قرع الباب و لجّ ولجّ؛ هر کس به کوبیدن دری ادامه دهد و اصرار ورزد عاقبت از آن در وارد خواهد شد.

### – کوشش پسندیده

۳. قال امير المؤمنين علیه السلام:

من قدّم عقله على هواه حست م ساعيَه؛ کسی که عقل خود را بر هوای نفس خویش مقدم بدارد، اعمال و کوشش‌های او همواره نیکو و پسندیده خواهد بود.

۱. البحار، ج ۶۷، ص ۲۲۵.

۲. غرر الحكم، ص ۷۱۸.

۳. غرر الحكم، ص ۶۴۵.

٦٠ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

### -سعی و کوشش، راه رستگاری

٤. قال على عَلِيٌّ:

ان كنتم للنجاة طالبين فارضوا الغفلة و اللّهُ و الزّموا الجهاد و الجدّ؛ اگر طالب  
نجات و رستگاری هستید، بی خبری و غفلت را ترک گوئید و پیوسته ملازم  
کوشش و مجاهده باشید.

### -ضایع کردن حقوق خود

٥. قال امیر المؤمنین عَلِيٌّ:

من اطاع التّوانی ضيّع الحقوق<sup>٢</sup>؛ آن کس که از تبلی و سستی پیروی نماید، حقوق  
خویش را در جمیع شئون مختلف زندگی ضایع کرده است.

### -رسیدن به خوشبختی با کوشش

٦. قال امیر المؤمنین عَلِيٌّ:

هيّهات من نيل السّعاده السّكون الى الھوانى و البطالة<sup>٣</sup>؛ آرمیدن در آغوش تبلی و  
بطالت، دوری جستن از خوشبختی و سعادت است.

### -تبّل، مبغوض خدا

٧. قال ابو جعفر عَلِيٌّ:

قال موسی يا رب ای عبادک ابعض اليک، قال جیفة باللّیل، بطّال بالنّهار<sup>٤</sup>؛ امام  
باقر عَلِیٌّ فرمود: حضرت موسی بن عمران در پیشگاه الهی عرض کرد: پروردگارا!!  
کدام یک از بندگانت نزد تو بیشتر مورد بغض و بدینی است؟ فرمود: آنکه شب‌ها  
چون مرداری در بستر خفته و روزها را به بطالت و تبلی می‌گذراند.

١. غررالحكم، ص ٢٧٧.

٢. مجموعه ورام، ج ١، ص ٥٩.

٣. غررالحكم، ص ٧٩٢.

٤. سفينة البحار، ج ٢، ص ٦٢٤.

## داستان‌ها

### ۱- خواهش دعا

شخصی با هیجان و اضطراب، به حضور امام صادق علیه السلام آمد و گفت: درباره من دعایی بفرمایید تا خداوند به من وسعت رزقی بدهد که خیلی فقیر و تنگدستم.

امام: «هر گز دعا نمی‌کنم».

- چرا دعا نمی‌کنید؟

- «برای اینکه خداوند راهی برای این کار معین کرده است، خداوند امر کرده که روزی را پی‌جویی کنید و طلب نمایید. اما تو می‌خواهی در خانه خود بنشینی و با دعا روزی را به خانه خود بکشانی<sup>۱</sup>».

### ۲- کدامیک عابدترند؟

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام که طبق معمول همیشه در محضر درس آن حضرت شرکت می‌کرد و در مجالس رفقا حاضر می‌شد و با آن‌ها رفت و آمد می‌کرد، مدتی بود که دیده نمی‌شد. یک روز امام صادق علیه السلام از اصحاب و دوستانش پرسید: «راستی فلانی کجاست که مدتی است دیده نمی‌شود؟»

- یا ابن رسول الله! اخیراً خیلی تنگدست و فقیر شده.

- «پس چه می‌کند؟»

- هیچ، در خانه نشسته و یکسره به عبادت پرداخته است.

- «پس زندگیش از کجا اداره می‌شود؟»

- یکی از دوستانش عهده دار مخارج زندگی او شده.

- «به خدا قسم! این دوستش به درجاتی از او عابدتر است<sup>۲</sup>».

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۴۰؛ سفينة البحار، ماده قفع؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۹.

### ۳- کوشش ادیسون

ادیسون دانشمند و مخترع بزرگ می‌گوید: نبوغ، یعنی یک درصد الهام گرفتن و نود و نه درصد عرق ریختن.

او نمی‌فهمید کار یعنی چه؟ او روزی شانزده ساعت مرتب کار می‌کرد و غالباً در محل کارش روی صندلی می‌خوابید.

### شعر

به پایه‌ای نرسد شخص، بی رُکوب خطوب<sup>۱</sup>

به مايه‌ای نرسد مرد، بی خیال خطر<sup>۲</sup>

\*\*\*\*\*

به رنج اندر است ای خردمند، گنج

نیابد کسی گنج، نابرده رنج<sup>۳</sup>

---

۱. خطوب: جمع خطب، کارهای بزرگ، کارهای سخت.

۲. ق آنی.

۳. فردوسی.